



وساطت کشف و شهود در تفاسیرهای عرفانی و باطنی، قرآنی نیست

حجت الاسلام جعفری معتقد است که وساطت کشف و شهود در تفاسیرهای عرفانی و باطنی، قرآنی نیست و عرفان مشروط به شرع است.

تفسیر قرآن کریم را از نظر لاquo& روش راquo& به دو دسته لاquo& تفسیر ظاهر راquo& و لاquo& تفسیر باطن راquo& تقسیم کرد&zwj&h&zwj&اند. در این تفکیک مراد از تفاسیر ظاهری، تفاسیری است که به طور عمده بر مدلولی عرفی و منطقی که از سوی سخنوران یک زبان امکان فهم داشته باشد مبتنا دارد. در مقابل تفاسیر باطنی که تفاسیر عرفانی نیز خوانده می&zwj&شود، منطق دیگری دارند. از نظر این تفاسیر و رای ظاهر باطنی وجود دارد. اهل تصوف و عرفان و اهل سلوک و شهود در تفسیر عرفانی قرآن مسیر متفاوتی را طی می&zwj&کنند. مهم&zwj&ترین بحثی که در خصوص تفاسیر عرفانی وجود دارد این است که تفاسیر عرفانی از سه مبنای هستی&zwj&شناخت، معرفت&zwj&شناختی و زبان&zwj&شناختی برخوردارند. از نظر عارفان هستی، انسان و قرآن دارای جنبه&zwj&های ظاهری و باطنی هستند و نمی&zwj&توان تنها به حقیقت اکتفا کرد و در واقع حقیقت و رای ظاهر قرار دارد، همچنین ایشان برآنند که ظاهریون لفظ قرآن را می&zwj&بینند و دست به تفسیر می&zwj&زنند و این در حالی است که عارفان و سالکان طریق سیر و سلوک نظر به معنا و باطن کتاب&zwj&الله دارند و دست به تاویل می&zwj&زنند. همچنین عارفان بر روایاتی که دال بر بطون قرآن است، استناد فراوانی می&zwj&کنند و در عمل، توقف در قشر قرآن را مانع رسیدن آدمی به موفقیت و لب قرآن بر می&zwj&شمارند. دعوت قرآن به عقل و حکمت پیرامون آیات الهی یکی از انگیزه&zwj&های اساسی عارفان برای رسیدن به اسرار و معانی باطنی و درونی قرآن است و میان برداشت&zwj&های مفسران در تفاسیر عرفانی و باطنی که اشاری نیز خوانده می&zwj&شود با خود قرآن نسبت و رابطه وجود دارد. یک عارف بر آن است که به استفاده از آنچه مکاشفه می&zwj&خواند، به واسطه توبه، ریاضت و تهذیب نفس، به باطن و سر قرآن دست یابد. حجت&zwj&الاسلام و المسلمین یعقوب جعفری در مصاحبه با ایکنا بر آن است که در تفاسیر عرفانی معروف که ما می&zwj&شناسیم چیزهایی تحت عنوان کشف و شهود می&zwj&گویند که به طور یقین مورد نظر قرآن نیست. یعنی قرآن احکام و معارفی است که همه باید آن را بفهمند، آیه قرآن می&zwj&فرماید لاquo& وَلَقَدْ يَسِّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ قَهْلٍ مِنْ مَّدْكِرٍ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده&zwj&ای هست راquo& (قمر، ۴۰) خداوند فهم قرآن را آسان قرار داده است که با تعقلی که در آیات دیگر است، مردم به معنای آن پی ببرند. در پی مشروح گفت&zwj&وگوی ایکنا با حجت&zwj&الاسلام جعفری را ملاحظه می&zwj&کنید:

خصوصیت اصلی تفسیر عرفانی
حجت&zwj&الاسلام یعقوب جعفری، صاحب تفسیر کوثر، در گفت&zwj&وگو با خبرگزاری ایکنا و در پاسخ به این پرسش که خصوصیت اصلی تفسیر عرفانی چیست؟ گفت: تفسیر عرفانی یک روش و سبکی در تفسیر قرآن است که در آن برای آیات قرآنی یک معانی عرفانی خاصی بیان می&zwj&شود، یعنی از ظاهر الفاظ به قول خودشان عبور می&zwj&کنند.

جعفری ادامه داد: البته تفسیر عرفانی به این معنا وجود ندارد که از ائمه روایت شده باشد، آنها آیات را به صورت معمولی معنا می&zwj&کنند، البته به بطون قرآنی اشاره می&zwj&کنند، اما آن برداشت عرفانی که مورد نظر ماست، در روایات نمی&zwj&بینیم، البته یک نکته&zwj&های ظریف مربوط به اخلاق و این قبیل مسائل در روایت وجود دارد، اما تفسیر عرفانی به این معنای معمولی نداریم و یا خیلی کم داریم.

تفاوت میان عرفان و صوفی&zwj&گری
وی تصریح کرد: تفسیر عرفانی در طول تاریخ بوده است و تفاسیر متعددی نوشته شده است که البته بیشتر این&zwj&ها متعلق به صوفیه است. ما باید میان صوفی&zwj&گری و عرفان تفاوت قائل شویم. صوفی&zwj&گری مقبول نیست اما عرفان با شرایطی مقبول است. بیشتر تفاسیر عرفانی از صوفی&zwj&هاست، اما خوب بعضی از آنها صوفی نیستند و در عین حال عرفانی هستند، مانند تفاسیر ملاصدرا که تفاسیرهای متعددی از برخی سوره&zwj&ها دارد و می&zwj&توان گفت تفسیر فلسفی و عرفانی است.

برخی از تفاسیر صوفیه ضد&zwj&قرآنی است
جعفری ادامه داد: تفاسیری مانند تفسیر کشف المہجوب و تفاسیر دیگر از صوفیه است و آنها را ما قبول نداریم و گاهی در این&zwj&ها مطالبی است که خلاف ضرورت اسلامی و آیات دیگر قرآن است و ما اینها را تفسیر به رای می&zwj&دانیم و آن&zwj&هم از بدترین نوع تفسیر به رای زیرا بر خلاف نص صریح قرآن است. به همین خاطر است که مطالعه تفسیر عرفانی مشکل است و هر کسی نباید مطالعه کند، چون ممکن است دچار مشکلاتی باشد، از این رو تفسیر عرفانی را خیلی از آقایان اساساً قبول ندارند، اما می&zwj&توان به صورت مشروط قبول کرد اما در عین حال باید احتیاط لازم را به عمل آورد و آن معانی عجیب و غریبی که در این تفاسیر وجود دارد و مسلماً مورد نظر قرآن نیست نباید پذیرفته شود و انسان نباید به دام آن معانی و برداشت&zwj&ها بیفتد.

صاحب تفسیر کوثر در پاسخ به این پرسش که با توجه به اینکه برخی از مدافعین این تفسیر که به بحث حب و فرقان در قرآن و آیه و این مانند <laquo;يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا: ای کسانی که ایمان آورده و زwnj; اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‍ ” (انفال، ۲۹)، به عنوان مبنای قرآنی این روش تفسیری اشاره می‍ کنند، آیا روش قابل دفاع است؟ گفت: همان طور که اشاره شد ما به صورت مشروط این روش را قبول داریم. در آیه مورد اشاره شده فرقان یعنی، تشخیص حق و باطل که در انسان به واسطه تقوا استعداد تشخیص حق و باطل به وجود بیاد، این‍ ها هست و اساس دین همین است که تقوا در انسان، نوعی اجتهاد و قوه تشخیص و تمیز می‍ دهد که حق و باطل بشناسد و اگر کسی واقعا تقوا داشته باشد در مواردی که ممکن است اشتباه کند، خداوند به کمک او می‍ آید. این مباحث درست است.

جعفری تصریح کرد: اما در تفاسیر عرفانی معروف که ما می‍ شناسیم چیزهایی تحت عنوان کشف و شهود می‍ گویند که به طور یقین مورد نظر قرآن نیست. یعنی قرآن احکام و معارفی است که همه باید آن را بفهمند، آیه قرآن می‍ فرماید <laquo;وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ: و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده‍ ای هست‍ (قمر، ۴۰) خداوند فهم قرآن را آسان قرار داده است که با تعقلی که در آیات دیگر است، مردم به معنای آن پی ببرند. اما اینکه یک آیه‍ ای را تطبیق کنند به برخی از کشف و شهودهای جعلی صوفیه، ما این را قبول نداریم و این‍ ها دور از شان قرآن است، اما تفاسیر عرفانی که مبنای علمی داشته باشد و از تصوف دور باشند معقول هستند.

صاحب تفسیر کوثر در پاسخ به این پرسش که چقدر کشف و شهود می‍ تواند مبنای تفسیر قرار بگیرد؟ گفت: کشف و شهود از نظر شریعت به هیچ وجه برای انسان حجت‍ بخش نیست. یعنی در مسئله‍ ای شرعی اگر یک نفر مدعی باشد که برای من، در عالم عرفان، کشف و شهود شد که در این مسئله فقهی، حکم چنین است، ابدا حجت نیست و هیچ فقهی نمی‍ تواند به این استناد کند، حتی کشف و شهود نه تنها برای دیگران حجت نیست که برای خود شخص هم حجت نیست.

وی تصریح کرد: مثلاً انسان در خواب ببیند که امام صادق(ع) حکم مسئله‍ ای را به او بگوید، این برای خود فرد هم حجت نیست. اگر چیزی از طریق به اصطلاح کشف و شهود به دست آمد و جنبه عملی داشته باشد، حجت نیست، بلکه تنها برای تهذیب نفس و معنویات و ... می‍ تواند به کار رود و عیبی ندارد، اما نباید نتیجه عملی داشته باشد. جعفری افزود: حتی نسخه‍ هایی که آقایان می‍ دهند، مثلاً فلان ذکر و یا فلان کار را چند بار انجام بده، اگر در متن روایات نیامده باشد، بدعت است و نباید به این‍ ها اعتنا کرد که متأسفانه خیلی در جامعه ما و به خصوص جوانان متداول شده است که فلان آقا نسخه می‍ دهد که ۴۰ روز فلان عمل را انجام دهد، اگر این ریشه در روایات و سخنان معصومین(ع) نداشته باشد و با کشف و شهود و مرید و مراد بازی به دست آمده باشد، برای ما قابل قبول نیست، چون عبادات توقیفی است.

صاحب تفسیر کوثر ادامه داد: در روایت آمده است که شخصی به خدمت امام صادق(ع) رفته بود، حضرت فرمود که شب قدر بگو استغفرلله و اتوب علیه که راوی می‍ گفت استغفرالله ربی که حضرت گفت آن طور که من می‍ گویم. این است که عبادات و ریاضت‍ هایی که می‍ کشند این‍ ها مبنای توقیفی دارد و با کشف و شهود و خواب و ... به دست نمی‍ آید و اگر کسی چنین عقیده‍ ای داشته باشد خلاف شرع است. اما اینکه انسان دنبال کارهای حلال برود، واجبات و مستحبات را انجام دهد خوب است و فایده دارد اما به شرط اینکه خارج از دایره شرع و نص نباشد.

عرفان، مشروط به شرع است
وی در خصوص تفاسیر مورد قبول عرفانی گفت: تفسیر ملاصدرا و تفسیر امام خمینی از سوی شخصیت‍ های دینی نوشته شده است که از مبنای شرع آگاه هستند و می‍ توانند از اصطلاحات عرفا به کار ببرند اما هیچ وقت نمی‍ آیند چیزی را که در شرع نیست مطرح کرده و بدعت بگذارند.

صاحب تفسیر کوثر تصریح کرد: تصریح به اینکه قرآن دارای بطون است در روایات است. ائمه گفته‍ اند قرآن ظاهر و هفت بطن دارد. اما انتقادی که می‍ کنم از یک سری اعمالی است که مسلماً جنبه عبادی دارد و در شرع هم به آنها دستور داده نشده است و برخی به عنوان عرفان، از مرادشان می‍ شنوند تا به جایی برسند، این‍ ها درست نیست و الا تفاسیری مانند تفاسیر ملاصدرا و امام خمینی(ره) تفاسیر علمی و مفیدی هستند. جعفری در پاسخ به این پرسش که ملاک تفاسیر عرفانی مفید چیست؟ گفت: ملاک این نیست که آقایی که خیلی هم مهم و باسواد است چیزی بگوید و ما آن را قبول کنیم. ملاک در قضاوت در خصوص افراد، سخنان خود آنهاست. این‍ عربی را ما می‍ بینیم در فصوص الحکم مطالبی گفته است که ظاهراً بر خلاف مسلمات اسلام است. خوب ما بگوییم که ان شاءالله نظرش درست است، نمی‍ شود، چون در این صورت در خصوص هر چیزی می‍ توان این کار کرد. خلاصه ما معیارهایی در شرع داریم که باید تابع آنها باشیم.